

## ما افغانها بايد از ديگران ياد بگيريم !!!!!

از خواندن اين خبر در مطبوعات هالند كه احزاب چپ و راست كشور براي جلوگيري از سقوط حكومت، غلبه بر بحران و دفاع از اهداف مشترك وطني از سايه هاي خويش بريندند تا از منافع عمومي كشور و مردم خويش دفاع نمايند، براي يكنوع احساس خوشي و مسرت و از جانب ديگر تأسف انگيز و ملال آور دست داد.

احساس خوشي و مسرت از ينيكه انسانها با وجود تفاوتها در نظرات و عقايد ميتوانند، نه تنها كله ها و گردنهای يك ديگر را نزنند، بلكه براي اهداف عمومي و خير انسان مشتركاً كار و پيكار نمايند.

تأسف انگيز و ملال آور از خاطريكه نه تنها عوام افغانستان در نفاق، مخاصمت و دشمني هاي بي پايان به سر مي برند، بلكه روشنفكران كشور ما نسبت اختلافات نظرياتي و بعضاً حتى صليقه اي با هم دشمنان آشتي ناپذير اند. براي بي اعتبار ساختن همدیگر، تمام نورمهای اجتماعي، سياسي و اخلاقي را لگدمال ميسازند. هر يك تلاش دارد، تا همه را ملامت سازد و خود سلامت از اين معرکه برآيد.

با خود گفتيم يكاش ما افغانها از ديگران مي آموختيم.

وقتي حزب راست افراطي ( حزب آزادي ) بر هبري گيرت و بلدرز، نماينده در پارلمان كشور هالند، كسي كه به حيث ضد اسلام و ضد مهاجرين شهرت يافته است، همكاري خويش را بر اساس تمايلات جاه طلبانه شخصي با حكومت ليبرالها و ديموكراتهای مسيحي قطع نمود و حكومت فعلي با خطر واقعي سقوط روبرو گرديد و اين سقوط همراه با زيانهای جبران ناپذير اقتصادي براي جامعه بود، احزاب چپ و از جمله سبزهای چپ، حزب سوسيال – ليبرالها و حزب اتحاد مسيحي با وجود اختلافات در عرصه های گوناگون سياسي، اقتصادي تلاش نمودند تا از سقوط حكومت جلوگيري نمايند و جای حزب راست افراطي را احزاب چپ پر نمايند. رهبر اتحاد مسيحي بنام سلوب در يك مصاحبه گفت : (( ما به اقداماتي بايد متصل شويم كه براي ما خوش آيند نيستند ولي ضروري اند. )) رهبر حزب راست افراطي ميخواهد حكومت را ورشكست سازد، تا جلو تعميق بحران داخل حزب خويش را به بهانه انتخابات گرفته و به اميد اينكه طی انتخابات پيش از موعد بتواند با سوء استفاده از وضع ناگوار اقتصادي و نارضايتي مردم نسبت پايين آمدن قدرت خريد مردم و بحران واگير اقتصادي جلو قدرت را بدست گيرد.

رهبر سوسيال ديموكرات ها پيخ تلد در مصاحبه اي ماههای طويل و دراز بدون تصميم گيري پيش از انتخابات را پيش بيني كرد. وي گفت: ( تنظيم بودجه و تطبيق پلانهای اقتصادي براي همه احزاب سياسي بايد علويت داشته باشد )

جالب اينست كه حزب سبزهای چپ حاضر شد برنامه ائتلاف قبلي را در مورد صرفه جويي ( ۱۴،۲ ) مليار يورو بر مبنای رفورمها را جدي بگيرند، در حاليكه حين تشكيل حكومت موجود، با اين برنامه جداً مخالفت داشتند. رهبر حزب سبزهای چپ گفت : (( ما در برابر پرابلم بزرگ حياتي قرار داريم. ما بايد گامی را به پيش برداريم. )) اينست احساس مسؤليت در برابر وطن و مردم. و اينست احزاب واقعي سياسي كه نه براي حزب و شهرت حزب و رهبر حزب، بلكه به هدف خدمت به مردم بوجود آمده اند. وقتي منافع مردم و كشور شان به خطر و تهديد رو برو مي شود، همه شان چون تن واحد از منافع مردم و كشور دفاع مي نمايند و صف واحد دفاعي را تشكيل مي دهند.

رهبران احزاب سياسي افغانستان ! يكبار به وجدان تان مراجعه كنيد! بر مردم مظلوم و بي دفاع افغانستان ترحم نماييد. در باره سرنوشت كشور پراوازه و باستاني تان فكر كنيد !

درين لحظات تعيين كننده براي سرنوشت كشور و مردم در خون غلتيده تان، منافع شخصي، خانوادگي و گروهی خويش را کنار بگذاريد ! به صدای دلخراش مظلومان كشور تان گوش فرا دهيد! مردم از جنگهای فرسايشي و بي پايان، از ناامني و قانون شكني های دوامدار و بدون مجازات به ستوه آمده اند. احزاب سياسي در جهان معاصر در سمت و سو دادن جوامع نقش حياتي دارند. ديده ميشود كه احزاب سياسي افغانستان به وظايف جز وظيفه احزاب سياسي مصروف اند.

براي پايان بخشيدن به جنگهای خونين، چور و چپاول، حاكميت مافيايي خون آشام، انارشي و عدم حاكميت قانون، باهم متحد شويد! بالاخره شما هم انسان و افغان هستيد، بر كشور، هموطنان و هموعان تان ترحم نماييد. اميال و آرزوهای فرعونى شما، نفاق و شقاق احزاب و گروههای سياسي زمينه های دوام و بريايي جهنم موجود را فراهم مي سازد.

ديپانو شميره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همكاري ته راوبولي. په دغه پته له مور سره اړيكه ټينگه كړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادښت: د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ

اعضای احزاب سیاسی و رزمندگان واقعی! اگر رهبران تان به صدای وجدان و عقل سلیم، صدای مادر وطن داغیده، ناله ها و فریادهای مظلومان بیدفاع گوش فرا نمی دهند و صادقانه به سوی وحدت ها و ائتلاف ها نمی روند، آنها را تجرید و از خود برانید. نمانید تا بر شانه ها و بازوهای توانای شما، رهبران معامله گر و بی احساس، تشنه شهرت و کسب قدرت به امیال شوم شان برسند. شما فرزندان برومند مردم افغانستان، وطنپرستان واقعی که از روی احساس و عاطفه انسانی و عزم خدمت به وطن و هموطن، به عضویت احزاب مختلف سیاسی درآمده اید، طلسم اطاعت بی چون و چرا و دستور پیروی کورکورانه را بشکنید!

با حفظ استقلال نظریاتی و تشکیلاتی، بدون رهبران جاه طلب در سنگر واحد ضد جنگ و مافیای حاکم بر امور کشور، صف واحد دفاعی را تشکیل دهید! شما آینده سازان و تاریخ سازان واقعی هستید! این رهبران که از روز تأسیس حزب تا هنوز و تا مرگ خود و یا مرگ حزب رئیس حزب میباشند، بر شما اعضای صادق حزب باور و اعتماد ندارند، پس شما هم بر آنها اعتماد نکنید! رهبران ازین قماش بدون تردید دیکتاتوران خون آشام فردا اند. اینها مانند حسنی مبارک، بن علی تونس، علی عبدالله صالح یمن، قذافی و بشار اسد هستند، امروز حزب را موروثی می سازد، اگر به قدرت برسند، فردا قدرت را موروثی می سازند. آنگاه اگر شما در برابر موروثی شدن مقاومت می کنید، شما را قتل عام می کنند.

قریب دوده از سقوط حکومت دوکتور نجیب میگذرد، که باندهای مسلح غیر مسؤول، در تبابی با استخبارات کشورهای همسایه، مصروف قتل و قتال، چور و چپاول، اختطاف، تهدید و تحقیر مردم اند. احزاب سیاسی افغانستان در زیر سایه های سنگین گذشته و تحت رهبری اشخاص خودخواه و جاه طلب، با ایجاد رقابت های ناسالم و بی ثمر هیچگونه اثری بر اوضاع نداشته، موجودیت و عدم موجودیت آن باهم برابر است ولی رهبر صاحب زنده خوش است.

مع الوصف باندهای جنایتکار در زد و بند با یکدیگر می توانند، در مراحل مختلف متحدانه عمل نمایند، چرا دهها حزب و سازمان سیاسی افغانستان با وجود تقاضاهای مستدام صفوف و اعضاء هیچگاهی متحدانه عمل نکرده اند و هیچگاه اتحاد و همبستگی واقعی را نشان نداده اند؟ در حالیکه احزاب سیاسی واقعاً ملی و مسؤول، فعال و زنده نقش مهم و برجسته در تغییر اوضاع و تحولات سیاسی و اجتماعی دارند.

جامعه ما بعد از سالیان متمادی، برای تلافی و جبران خسارات کمرشکن، به وحدت و همبستگی، برادری و برابری، همسویی و همگرایی، تعاون و همکاری ضرورت دارد. اعمار محدد و امر احیای دوباره افغانستان نه تنها مستلزم وحدت و همبستگی خلل ناپذیر تمامی نیروهای افغان است، بلکه حمایت و پشتیبانی، کمک و همکاری بی شایبه تمام بشریت یک امر ضروری و حیاتی تلقی میگردد. ولی بعضی از رهبران سیاسی برخلاف منافع و مصالح عالی ملی، دشمنی و مخاصمت، کینه و نفرت، اختلافات قومی، زبانی، مذهبی و سمتی را دامن میزنند و به این تیشه و تبر، ریشه درخت افغانستان، مردم و اقوام افغان را از بر میکنند. آنهایی که با دو رویی و منافقت زیر نام قوم و زبان، سمت و محل، تعصب و کینه توزی را توصیه میکنند، در بهترین حالت دچار فقر معنوی اند و در غیر آن نوکران دشمنان افغانستان می باشند.

وطنپرستان افغان! هوشیار و بیدار باشید! حيله و نیرنگ بازیگران سیاسی را متوجه باشید. آنها کشور واحد و یک پارچه ما را به شمال و جنوب، شرق و غرب تقسیم میکنند و علیه تمرکز سیاسی کشور خودسری های محلی را دامن میزنند. آنها میدانند که نیروی ما در وحدت و یکپارچگی است. و پیروزی های ما مربوط به نیرومندی ما است.

پایان